

طب سنتی

حکیم ابوعلی سینا

((قانون به زبان ساده))

گزیده ای از القانون فی الطب شیخ الرئيس ابوعلی سینا

تحقیق و تدوین: طاهر گل محمدی - کاظم کیانی - یعقوب کمال کاظمی





: ابن مسينا، حسين بن عبدالله، ٢٧٠ - ٤٢٨ ق.

: القانون في الطب. فارسي. برگزیده

طب سنتی حکیم ابوعلی سینا «قانون به زبان ساده»: گزیده‌ای از القانون فی الطب شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا/ تحقیق و

تدوین عقیل گل محمدی، کاظم کہانی، یعقوب کمال کاظمی۔

: تہریق: ورقلم، ۱۳۹۱.

: ۵۱۲ ص: جلوه

978-600-303-004-6 :

↳ :

جواب دیگر: زرقلم، ۱۳۹۱ (قطع جیبی).

۱۴. یزشکی سنتی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.

داروشناسی - منون فدیوی تا قرن ۱۴.

۱۴: پزشکی اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴

: گل محمدی، عقیل، ۱۳۴۶ -

: کیانی، کاظم، ۱۳۳۸ -

: کمال کاظمی، بیوقوف، ۱۳۶۲ -

الف ١٣٩١ : ٢٢١٨ - ٢٠٢١ الف ١٣٩١ : ٢٢١٨ - ٢٠٢١

61. :

Y. 45543 :

دفتر انتشارات زرکم - تبریز (۹۱۱)

تلفن: ۵۵۶۷۲۸۲ فاکس: ۵۵۳۶۹۹



نام کتاب: طب سنتی حکیم ابوعلی سینا «قانون بہ زبان سادہ»

مؤلفان: عقیل گل محمدی، کاظم کیانی و یعقوب کمال کاظمی

چاپ: اعظم سال: ۱۳۹۲ چاپ: اول تعداد صفحہ: ۵۱۲ تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قطع: وزیري قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

ISBN:

شاک:

978-600-303-004-8

1987-1988

سایت اینترنتی: www.zargalam.com ایمیل: info@zargalam.com

حق چاپ و انتشار دائم محفوظ است به انتشارات زر قلم

نشانی: تبریز - خیابان امین - پاساژ ولیعصر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۴۸	بواسیر	۱۴	مقدمه
۵۰	بواسیر لب	۲۱	آب آوردن چشم
۵۰	بوی بد دهان	۲۱	آبله
۵۱	بی خوابی در حالت تب	۲۱	داروی ادرار آور
۵۱	بی نظمی معده	۲۲	ادرار غیر ارادی
۵۱	بیرون آمدن مقعد	۲۳	نسخه هلیله سیاه
۵۲	بیماری های مفصلی	۲۳	استفراغ همراه با تب
۵۷	بیماری های ریوی	۲۴	استفراغ
۶۲	تاول و جابی	۲۷	اسهال
۶۲	تب التهابی	۳۳	اسهال در بیماران سرطانی
۶۳	تب بلغمی	۳۵	آسیب بویایی
۶۷	تب ساده	۳۵	آسیب کبد
۶۹	تب شدید	۳۶	آسیب های شنوایی
۷۱	تب عصبی	۳۷	اشتهای کاذب
۷۲	تب عفونی	۳۸	افتادن و صدمه دیدن
۷۲	اسهال دادن بیمار تب عفونی	۳۹	افزایش شیر مادر
۷۴	تب مکرر	۴۰	التهاب بیضه
۷۷	تب و لرز از سرما	۴۵	التهاب ناخن
۷۹	تب وبایی	۴۵	آلودگی گوش (عفونت)
۷۹	تب و تشنگی	۴۶	انسداد کبد
۷۹	ترشح بزاق اضافی در خواب	۴۶	باد شکم
۸۰	ترک پوست آلت	۴۷	بازگشت زخم
۸۰	ترک خوردگی پوست	۴۷	بد هضمی

۱۱۵	حصبه	۸۰	ترک شکم
۱۱۶	خارش واژن	۸۱	ترک مقعد
۱۱۶	خارش روده و بواسیر	۸۲	ترمیم زخم
۱۱۷	داروهای خلط آور	۸۳	ترمیم گوشت در زخم
۱۱۹	خنازیر (ورم سلعه)	۸۴	تسکین دهنده های درد
۱۲۲	خون ریزی بینی	۸۵	تسهیل زایمان
۱۲۲	خون ریزی زنان	۸۶	تشنج زبان
۱۲۳	بند آمدن خون در معده و روده	۸۸	تشنگی حاصل از ضعف کبد
۱۲۳	درد تهی گاه	۸۸	تشنگی غیر طبیعی
۱۲۳	درد کبد	۸۹	تصفیه خون
۱۲۴	درد گوش	۹۰	تغییر رنگ دندان
۱۲۴	درد معده	۹۰	تقویت استخوان
۱۲۵	درد مفاصل	۹۱	تقویت پوست
۱۲۶	دفی پیری	۹۲	تقویت حافظه
۱۲۷	دمل	۹۳	داروهای دندان
۱۳۰	دمل در معده	۹۳	تقویت غریزه ی جنسی
۱۳۰	دمل بلغمی	۹۸	تقویت قلب
۱۳۱	دمل در داخل پستان	۱۰۰	تقویت معده
۱۳۱	دندان درد	۱۰۱	تکرر ادرار
۱۳۲	ذات الریه	۱۰۴	تنظیم عادت ماهانه
۱۳۲	زیادی ادرار	۱۰۶	تنگ کردن واژن
۱۳۴	آماس غیر معمول پستان	۱۰۷	جذام
۱۳۵	سر درد در حالت تب	۱۱۱	جلوگیری از ریزش زیاد شیر
۱۳۶	سرباز کردن دمل	۱۱۱	جوش ریز
۱۳۶	سرفه همراه با خون	۱۱۲	جوش پوستی
۱۳۸	سککه	۱۱۴	جوش دهان

۱۶۳	عطسه متوالی	۱۴۰	سنگ کلیه و مثانه
۱۶۳	غش کردن تب دار	۱۴۴	سنگینی گوش
۱۶۳	فتق	۱۴۵	سوء جذب سرد کبد
۱۶۴	قانقاریا	۱۴۶	سوء مزاج سرد کلیه
۱۶۵	قرحه	۱۴۶	سوء مزاج گرم و تر کبد
۱۶۸	قُرُقُر شکم	۱۴۶	سوء هاضمه
۱۶۸	قطع عادت ماهانه	۱۴۹	سوء هاضمه (مزاج گرم)
۱۶۹	ایلاوس (قولنج)	۱۵۰	سوء هاضمه (سرد مزاج)
۱۶۹	اسهال دادن بلغم در قولنج بلغمی	۱۵۰	سوء جذب کبد
۱۷۱	قولنج سرد بدون اسهال	۱۵۱	سوء مزاج سرد و خشک معده
۱۷۱	قولنج صفرائی	۱۵۲	سوختگی
۱۷۱	قولنج مدفوعی	۱۵۴	سوراخ شدن دندان
۱۷۳	ناشی از فتق	۱۵۴	سوزش زبان
۱۷۳	قولنج و بند آمدن مدفوع	۱۵۵	سینه پهلوی
۱۷۵	قولنج ورمی	۱۵۶	شب ادراری
۱۷۵	کرم دندان	۱۵۶	شقاق زبان
۱۷۵	کرم شکم	۱۵۶	شکستگی بینی
۱۷۶	کرم کدو	۱۵۷	شکستگی در سر
۱۷۶	کمر درد	۱۵۷	شکم پیچه
۱۷۸	کوفتگی	۱۵۸	صدمه دیدن درونی
۱۷۸	گرم کننده ی واژن	۱۵۹	ضعف کلیه
۱۷۹	گوشت زاید بر زخم	۱۵۹	ضعف لثه
۱۷۹	لخته شدن خون در مثانه	۱۶۰	ضعف مثانه
۱۸۰	لق شدن دندان	۱۶۰	طاعون
۱۸۳	ناآرامی معده	۱۶۱	عدم امکان دفع ادرار
۱۸۳	ناتوانی کبد	۱۶۲	عرق مدینه ای

۲۱۳	ورم لب	۱۸۴	ناتوانی مثانه
۲۱۴	ورم ماهیچه	۱۸۵	ناتوانی معده
۲۱۴	ورم معده	۱۸۷	ناراحتی گلو
۲۱۷	ورم های زبان	۱۸۸	نازایی
۲۱۷	یرقان	۱۹۰	هضم کاذب
۲۲۲	اقسام داروها	۱۹۰	سوء مزاج تر معده
۲۲۴	تاثیر عوامل خارجی بر دارو	۱۹۰	سوء مزاج سرد و خشک معده
۲۲۷	بررسی گیاهان دارویی	۱۹۱	ورم باد سرخ معده
۲۲۷	اکلیل الملک	۱۹۱	ورم بدن
۲۲۸	انسیون	۱۹۲	ورم بلغمی طحال
۲۲۹	افسنطین	۱۹۵	ورم خفیف
۲۳۰	آس	۱۹۶	ورم رحم
۲۳۲	اقاقیا	۱۹۷	ورم سخت زهدان
۲۳۳	انقل	۱۹۸	ورم سخت
۲۳۵	اذخر (گور گیاه)	۱۹۸	ورم سخت طحال
۲۳۷	اسارون (برماله)	۲۰۱	ورم سخت و غلیظ در معده
۲۳۸	انزروت (کنبده)	۲۰۳	ورم سرد بلغمی در معده
۲۳۹	ابهل (ریس)	۲۰۴	ورم سرد پستان
۲۴۰	اشنه (واله)	۲۰۴	ورم سرد کبد
۲۴۱	اظفار الطیب (ناخن بوی)	۲۰۹	ورم غده ای
۲۴۱	انفحه (پنیر مایه)	۲۰۹	ورم گرم و دمل در کلیه
۲۴۲	اقحوان - بابونه گاو چشم	۲۱۰	ورم سخت در کلیه
۲۴۲	آذر گون	۲۱۲	زخم در کلیه
۲۴۳	استرک	۲۱۳	ورم های گرم
۲۴۴	اغلاجون	۲۱۳	ورم گرم در پستان
۲۴۵	افتمون = سس صغیر	۲۱۳	ورم گوش

۲۶۱	بلوط	۲۴۵	اسطوخودوس
۲۶۲	بذر کتان (بزرک)	۲۴۶	اشق (اشه)
۲۶۲	جوز (گردو)	۲۴۶	انجدان = انگدان
۲۶۳	جواشیر	۲۴۷	اشتر غار (خارشتر)
۲۶۴	گل اریه	۲۴۷	انبر یاریس (زرشک)
۲۶۵	هویج (جزر)	۲۴۸	اسفنج - ابر مرده
۲۶۵	ترتیزک آبی	۲۴۸	اشنان
۲۶۷	درونه	۲۴۹	عود البخور
۲۶۷	داروش	۲۴۹	اذارقی (کچوله)
۲۶۸	جوجادو	۲۵۰	ایر سا (زنبق)
۲۶۸	چنار	۲۵۱	انجره - گزنه
۲۶۹	فلقل دراز	۲۵۱	اترج - ترنج
۲۶۹	دهمست	۲۵۱	لویای مصری
۲۷۰	خون سیاوشان	۲۵۳	بنفشه
۲۷۰	هلیله	۲۵۳	بلاذر (بلادر)
۲۷۱	کاسی	۲۵۴	موسیر (بلبوس)
۲۷۱	مارچوبه	۲۵۵	اسفرزه
۲۷۲	جو دوسر (یولاف)	۲۵۶	بادرنجبویه
۲۷۲	گل قاصد	۲۵۶	بادمجان
۲۷۲	ننه حوا	۲۵۷	بیدمشک
۲۷۲	وسمه	۲۵۷	بهار (گاو چشم)
۲۷۳	گل سرخ	۲۵۸	پرسیاوشان
۲۷۴	ورس	۲۵۸	باذر وچ (ریحان کوهی)
۲۷۴	زنجبیل	۲۵۹	خرقه
۲۷۵	زوفای تر	۲۵۹	پنج انگشت
۲۷۵	حسل	۲۶۰	بسپایک
۲۷۶	زرنیاد	۲۶۱	بدل مرجان

۲۹۳	طرائث (گل جالیز)	۲۷۶	فلفلک
۲۹۳	طریفان = کاجیره ی بیابانی (تحفه)	۲۷۷	زرنب
۲۹۴	طریقولیون	۲۷۷	زعفران
۲۹۴	طرفحوماس	۲۷۸	زوفرا
۲۹۴	طالابیون	۲۷۸	زالزالک
۲۹۶	یاسمین	۲۷۹	زیتون
۲۹۷	گیاه شیردار (یتوع)	۲۷۹	زراوند
۲۹۷	کافور	۲۸۰	حنا
۲۹۸	کندر	۲۸۱	هل
۲۹۹	کهربا	۲۸۱	شاهتره (ترتیزک)
۳۰۰	کمافیطوس (ماش دارو)	۲۸۲	آویشن
۳۰۱	کرمازک (گرمازو)	۲۸۳	سه کوهک (خسک)
۳۰۱	کندس (پلخم)	۲۸۴	هندوانه ی ابو جهل
۳۰۲	کابه	۲۸۴	حرشف (کنگر)
۳۰۲	کوگرد	۲۸۵	شبدر
۳۰۳	کسیلا (کسلی)	۲۸۶	شنبلیله
۳۰۳	کتیراء (کتیرا)	۲۸۷	گوش موش
۳۰۴	کمالیون (خامالان)	۲۸۷	حربه
۳۰۴	کاکنج (کاکنه)	۲۸۷	حب الزلم
۳۰۴	کیج (کیکه)	۲۸۸	حب المیس
۳۰۵	کشت بر کشت (پیچک)	۲۸۸	تخم نیلوفر
۳۰۵	کشوت	۲۸۸	حب السمنه (نقل خواجه)
۳۰۶	کمون (زیره)	۲۸۹	حور (درخت تبریزی)
۳۰۷	کراویا (شاه زیره)	۲۹۱	تابشیر
۳۰۸	کرسنه (گاودانه)	۲۹۲	کاسنی بیابانی (طلحشقوق)
۳۰۹	کازوران	۲۹۲	طرفاء (گزر)

۳۳۰	مرو	۳۱۰	کاشم
۳۳۱	مرماخور	۳۱۰	کماة
۳۳۱	مزمار الراعی (بارهنګ آبی)	۳۱۱	کبر
۳۳۲	سنگ مردار	۳۱۲	کشنج
۳۳۳	مشک طرامشیر (پونه)	۳۱۲	کرفس
۳۳۳	موم	۳۱۴	کوکب (کلم)
۳۳۴	مرزنجوش (مرزنګوش)	۳۱۵	کراث (ګدنا)
۳۳۵	میویزج (مویزک)	۳۱۶	کزبره (ګشنیز)
۳۳۵	مومیا	۳۱۷	ګلابی
۳۳۶	مر	۳۱۷	تاک
۳۳۸	مران (زغال اخته)	۳۱۹	لادن
۳۳۸	مامیثا	۳۱۹	لاجورد
۳۳۸	مبعه (استرک)	۳۲۰	لاک
۳۳۹	مجلاب	۳۲۰	لاعیه
۳۳۹	ماهودانه	۳۲۰	شنګ
۳۴۰	محروپ	۳۲۱	لوف (فیل ګوش)
۳۴۰	میسیم (فلنجه)	۳۲۲	لسان العصافیر (زبان ګنجشک)
۳۴۱	ملواح (قره یازی)	۳۲۲	لسان الثور (ګاو زبان)
۳۴۱	مورد اسفرم (آس بیابانی، کوله خیم)	۳۲۳	لسان الحمل (بارهنګ)
۳۴۱	ملیح	۳۲۴	لوییا
۳۴۲	مامیران (مرمیران)	۳۲۴	لوز (بادام)
۳۴۲	ماهی زهره (مرګ ماهی)	۳۲۶	لراق الذهب (چسب طلائی)
۳۴۳	مرماراد (مروازاد)	۳۲۶	لبلاب
۳۴۳	ملوخیا (ملوکیه، پنیرک بستانی)	۳۲۷	مصطکی
۳۴۴	شمش (زردآلو)	۳۲۸	مو
۳۴۴	موز	۳۲۹	مازیرون (هفت برگ)

۳۴۵	مصل	۳۶۰	سورنجان
۳۴۵	نرجس (نرگس)	۳۶۱	سوسن
۳۴۶	نیل	۳۶۲	سعتر (پونه یا مرزه ی کوهی)
۳۴۶	نسرین	۳۶۲	سیسالیوس (کاشم)
۳۴۷	نمام	۳۶۳	سوس (مهک، شیرین بیان)
۳۴۸	نیلوفر	۳۶۴	سرنج (آذرگون)
۳۴۸	نعناع	۳۶۴	سقمونیا (محموده)
۳۴۹	نارمشک	۳۶۵	سکینج (سکینه)
۳۵۰	نخاله (سپوس)	۳۶۶	سقو لو قندریون (زنگی دارو)
۳۵۰	نشاره (آرد اره)	۳۶۶	سیسارون
۳۵۰	نشاسته	۳۶۷	سومقوطن
۳۵۱	نرثیس (نرثیس)	۳۶۷	سماق
۳۵۱	نه حوا (نانخواه)	۳۶۸	سلق
۳۵۲	نوشادر	۳۶۹	سداپ (فیجن)
۳۵۲	نوی (هسته ی خرما)	۳۷۰	سیسبان (حب الفقد)
۳۵۲	نجم (فریز)	۳۷۱	سرمق (سرمک، اسفناج رومی)
۳۵۳	نیطافیلی	۳۷۱	سکر العنبر (گزانگین استبرک)
۳۵۴	سعد (مشک زمین)	۳۷۲	سنبل
۳۵۵	سندروس	۳۷۳	سلیخه (دارچین ختایی)
۳۵۵	سرخس	۳۷۴	سمسم (کنجد)
۳۵۶	ساذج (ساده)	۳۷۵	سفرجل (به)
۳۵۶	سولان (شولان)	۳۷۶	سلوئون
۳۵۸	سقوردیون (سیر بیابانی)	۳۷۶	سریش
۳۵۸	سُک	۳۷۷	عرعر
۳۵۹	سراج القطرب	۳۷۷	عبیثران (شجره ی مریم)
۳۵۹	سطرونیون (چوبک)	۳۷۷	عرطنیثا (آذریو)

۳۹۰	فودنج (پونه)	۳۷۸	عصفر (کاجیره)
۳۹۰	فاوانیا (عود الصلیب)	۳۷۸	عنصل (پياز موش)
۳۹۱	فجل (ترب)	۳۷۹	عافر قرحا (آککرا)
۳۹۲	فستق (پسته)	۳۷۹	عنب الثعلب (تاجریزی)
۳۹۲	فلیلون	۳۸۰	عنبر (کف دریا)
۳۹۲	صندل	۳۸۰	عود
۳۹۳	صمغ	۳۸۱	عروق الصباغین (رودچومه)
۳۹۳	صنوبر	۳۸۱	عنا ب
۳۹۴	صبر (الوا)	۳۸۲	عفص (مازو)
۳۹۵	قرنفل (میخک)	۳۸۲	علیق (تمشک)
۳۹۵	قافله (هل)	۳۸۳	عوسج (دیو خار)
۳۹۵	قردمانا (کرویا)	۳۸۳	عدس (مرجمک)
۳۹۶	قصب (نی)	۳۸۴	عشر (استبرک)
۳۹۶	قصب الذیبه (نی نهاوندی)	۳۸۴	عالو سیس
۳۹۷	قطور یون (گل گندم)	۳۸۴	عالیون
۳۹۸	قصب (دقل = خرما ی زرد)	۳۸۵	عرقون
۳۹۸	قرطم (کاجیره)	۳۸۵	عنب (انگور)
۳۹۸	قطران	۳۸۵	فو
۳۹۹	قسط (کوشنه)	۳۸۶	فوفل (تنبول)
۴۰۰	قنقین	۳۸۶	فوه الصباغین (روناس)
۴۰۰	قنه (بارزد)	۳۸۷	فاغره (فاخره)
۴۰۱	قنبیل (کنیلا)	۳۸۷	فلفل
۴۰۱	قفر الیهود	۳۸۷	فاشرا (هزار گوشان)
۴۰۲	قلقند (زاج سبز)	۳۸۸	فریبون
۴۰۲	قلقطار (زاج زرد)	۳۸۹	فیلز هرج (فیلز هره)
۴۰۲	قنابری (برغست)	۳۸۹	فراسیون (گندنا ی کوهی)

۴۱۳	شیطرج (شیرک)	۴۰۳	قسوس (عشق)
۴۱۳	شيلم (شلمک)	۴۰۳	قیقهن (لعل معبری)
۴۱۴	شیخ (درمنه)	۴۰۴	قطن (پنبه)
۴۱۴	شنجار (گل قاصد)	۴۰۴	قلقاس (گوش فیل)
۴۱۵	شُل (به هندی)	۴۰۴	قیصوم (مشک چوپان)
۴۱۵	شوکران (بیخ تفتی)	۴۰۵	قرع (کدو)
۴۱۶	شهمانج (شبابانک)	۴۰۵	قناء (خیار چنبر)
۴۱۶	شب (زاج بلوری)	۴۰۵	قناء الحمار (سیماهنگ، خیار الاغ)
۴۱۶	شکاعی (کنگرخر، چرخه)	۴۰۶	قنب (شاه دانه)
۴۱۷	شیر خشک (شیرخشت)	۴۰۶	قبت (یونجه)
۴۱۷	شونیز (سیاه دانه)	۴۰۷	قرظ
۴۱۷	شیت (شیت، شوید)	۴۰۷	ریحان
۴۱۸	شبرم (گاو کشک)	۴۰۷	رعی الحمام (شاه پسند)
۴۱۸	شلغم (شلغم)	۴۰۸	رعی الابل (شکر تیغال)
۴۱۹	شعر الغول (شعر الجن)	۴۰۸	رتّه
۴۲۰	شبابک	۴۰۸	راوند (ریوند چینی)
۴۲۰	شرین	۴۰۹	رازیانج (رازیانه)
۴۲۱	شعیر و شلت (جرب)	۴۰۹	رامک
۴۲۱	شقورس	۴۰۹	رطب (خرمای تر)
۴۲۱	شوکهالبيضا (کنگر)	۴۱۰	راتینج
۴۲۲	شوکه اليهودیه	۴۱۰	راسن (سوسن کوهی)
۴۲۳	شوکه المصریه (خار مصری)	۴۱۰	رجل الغراب (قاز یاغی)
۴۲۳	تمر هندی	۴۱۱	رمان (انار)
۴۲۳	تودری (قدومه)	۴۱۱	ریباس (ریواس)
۴۲۵	مقدار مصرف داروها	۴۱۲	شقایی (لاله)
۴۲۶	ابوسن	۴۱۲	شاهترج (شاهتره)

۴۳۹	بادام تلخ	۴۲۶	آدونیس ربیعی
۴۳۹	بادرنجبویه	۱۲۶	ارگودو
۴۴۰	بادنجان بری	۴۲۷	آرنیکا
۴۴۰	بادیان ختایی	۴۲۷	ازگیل
۴۴۰	بارهنگ	۴۲۸	اسد الارض
۴۴۱	باقلا	۴۲۹	اسفناج
۴۴۱	برگ بو	۴۲۹	آسه (خولان)
۴۴۲	برگ پولدو	۴۳۰	افیمون
۴۴۲	برگ مو	۴۳۰	افسنتين
۴۴۳	برنجاسف	۴۳۱	افسنتين دریایی (بحری)
۴۴۳	بزیر (فلومس اسود)	۴۳۱	افلوس (بداغ جنگلی)
۴۴۴	بسفایج	۴۳۱	اقاقیا
۴۴۴	بلسکی	۴۳۲	آقونیطون
۴۴۴	بنفشه سه رنگ	۴۳۲	اکسیر ترکی
۴۴۵	بنفشه معطر	۴۳۲	اکلیل الجبل
۴۴۶	بنگ دانه (روسیکام)	۴۳۳	آگاو
۴۴۶	به	۴۳۳	امبروسیا
۴۴۷	به لیمو	۴۳۳	انجبار
۴۴۷	بوکو	۴۳۴	آنقوزه (آنگوزا)
۴۴۸	بولاغ اوتی	۴۳۴	انگور فرنگی
۴۴۸	بومادران	۴۳۵	انگور کولی
۴۴۹	پای خر	۴۳۶	انیس (رازبانه رومی)
۴۵۰	پلم	۴۳۶	اوکالیتوس
۴۵۰	پُلی (بولوغالن)	۴۳۷	آویشن شیرازی
۴۵۱	پنج انگشت (فلفل بری)	۴۳۷	بابونه
۴۵۱	پنیرک و ...	۴۳۸	بابونه گاوی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا، مشهور به ابوعلی سینا و ابن سینا و پور سینا (زاده ی ۳۵۹ هجری شمسی در بخارا - در گذشته ی ۲ تیر ۴۱۶ در همدان، ۴۲۸-۳۷۰ قمری، ۱۰۳۷-۹۸۰ میلادی)، پزشک و شاعر مسلمان ایرانی و مشهورترین و تأثیرگذارترین فیلسوفان - دانشمندان جهان اسلام است که به ویژه به دلیل آثارش در زمینه فلسفه ارسطویی و پزشکی اهمیت دارد. وی نویسنده کتاب شفا یک دانشنامه علمی و فلسفی جامع است و القانون فی الطب یکی از معروف ترین آثار تاریخ پزشکی است که در این مجموعه ما سعی کرده ایم تعدادی از مواد لازم های این حکم بزرگ را به زبان ساده به رشته تحریر در آوریم تا انشالله مورد استفاده ی هموطنان قرار گیرد.

وی ۴۵۰ کتاب در زمینه های گوناگون نوشته است که شمار زیادی از آن ها در مورد پزشکی و فلسفه است. جرج سارتن در کتاب تاریخ علم وی را یکی از بزرگترین اندیشمندان و دانشمندان پزشکی می داند. همچنین وی او را مشهورترین دانشمند سرزمین های اسلامی می داند که یکی از معروف ترین ها در همه ی زمان ها و مکان ها و نژادها است.

ابن سینا در روستای افشانه نزدیک بخارا متولد شد. زبان مادری اش فارسی بود. پدرش از صاحب منصبان در حکومت سامانی بود و وی را به مدرسه بخارا فرستاد در آنجا به خوبی تحصیل کند. پدر و برادر ابن سینا مجذوب تبلیغات اسماعیلیه شده بودند، اما ابن سینا از آن دو تبعیت نکرد. وی حافظه و هوشی خارق العاده داشت. به طوری که در ۱۴ سالگی از معلمان خود پیشی گرفت. او علم منطق را به استادش ناتیلی آموخت. او کسی را نداشت که از وی علوم طبیعی یا داروسازی را فرا بگیرد و پزشکان مشهور از دستورالعمل های او تبعیت می کردند. البته وی در فراگیری علم ماوراء الطبیعه ارسطو دچار مشکل شد که تنها به کمک تفسیر فارابی توانست آن را بفهمد. او امیر خراسان را از یک بیماری سخت نجات داد.

امیر خراسان در ازای این کار اجازه داد که ابن سینا از کتابخانه باشکوه مخصوص شاهزادگان سامانی استفاده کند. در سن ۱۸ سالگی، ابن سینا بر تمام علوم که بعدها شناخته شدند، تسلط یافت. پیشرفتهای بعدی وی، مرهون استدلالهای شخصی وی بود.

بخشی از زندگینامه او به گفته خودش به نقل از شاگردش ابو عبید جوزجانی بدین شرح

است:

«پدرم عبدالله از مردم بلخ بود در روزگار نوح پسر منصور سامانی به بخارا در آمد. بخارا در آن عهد از شهرهای بزرگ بود. پدرم کار دیوانی پیشه کرد و در روستای خریشان به کار گماشته شد. به نزدیکی آن روستا، روستای افشنه بود. در آنجا پدر من، مادرم را به همسری برگزید و وی را به عقد خویش در آورد. نام مادرم ستاره بود من در ماه صفر سال ۳۷۰ از مادر زاده شدم. نام مرا حسین گذاشتند چندی بعد پدرم به بخارا نقل مکان کرد در آنجا بود که مرا به آموزگاران سپرد تا قرآن و ادب بیاموزم. دهمین سال عمر خود را به پایان می بردم که در قرآن و ادب تبحر پیدا کردم آنچنان که آموزگارانم از دانسته های من شگفتی می نمودند. در آن هنگام مردی به نام ابو عبدالله به بخارا آمد او از دانش های روزگار خود چیزهایی می دانست پدرم او را به خانه آورد تا شاید بتوانم از وی دانش بیشتری بیاموزم وقتی که ناتل به خانه ما آمد من نزد آموزگاری به نام اسماعیل زاهد فقه می آموختم و بهترین شاگردان پدرم و در بحث و جدل که شیوه دانشمندان آن زمان بود تخصصی داشتم.

ناتلی به من منطق و هندسه آموخت و چون مرا در دانش اندوزی بسیار توانا دید به پدرم سفارش کرد که مبادا مرا جز به کسب علم به کاری دیگر وادار سازد و به من نیز تاکید کرد جز دانش آموزی شغل دیگر برنگزینم. من اندیشه خود را بدانچه ناتلی می گفت می گماشتم و در ذهنم به بررسی آن می پرداختم و آن را روشن تر و بهتر از آنچه استادم بود فرامی گرفتم تا اینکه منطق را نزد او به پایان رسانیدم و در این فن بر استاد خود برتری داشتم چون ناتلی از بخارا رفت من به تحقیق و مطالعه در علم الهی و طبیعی پرداختم اندکی بعد رغبتی در فراگرفتن علم طب در من پدیدار گشت. آنچه را پزشکان قدیم نوشته بودند همه را به دقت خواندم چون علم طب از علوم مشکل به شمار نمی رفت در کوتاه ترین زمان در این رشته موفقیت های بزرگ بدست آوردم تا آنجا که دانشمندان بزرگ علم طب به من روی آوردند و در نزد من به تحصیل اشتغال ورزیدند. من بیماران را درمان می کردم و در همان حال از علوم دیگر نیز غافل نبودم. منطق و فلسفه را دوباره به مطالعه گرفتم و به فلسفه بیشتر پرداختم و یک سال و نیم در این کار وقت صرف کردم. در این مدت کمتر شبی سپری شد که به بیداری نگذرانده باشم و کمتر روزی گذشت که جز به مطالعه به کار دیگری دست زده باشم.

بعد از آن به الهیات رو آوردم و به مطالعه کتاب ما بعد الطبیعه ارسطو اشتغال ورزیدم ولی چیزی از آن نمی فهمیدم و غرض مؤلف را از آن سخنان در نمی یافتم از این رو دوباره از سر

خواندم و چهل بار تکرار کردم چنان که مطالب آن را حفظ کرده بودم اما به حقیقت آن پی نبرده بودم. چهره مقصود در حجاب ابهام بود و من از خویشتن ناامید می شدم و می گفتم مرا در این دانش راهی نیست. یک روز عصر از بازار کتابفروشان می گذشتم کتابفروش دوره گردی کتابی را در دست داشت و به دنبال خریدار می گشت به من اصرار کرد که آن را بخرم من آن را خریدم، اغراض مابعدالطبیعه نوشته ابو نصر فارابی، هنگامی که به در خانه رسیدم بی درنگ به خواندن آن پرداختم و به حقیقت مابعدالطبیعه که همه آن را از بر داشتم پی بردم و دشواری های آن بر من آسان گشت. از توفیق بزرگی که نصیب شده بود بسیار شادمان شدم. فردای آن روز برای سپاس خداوند که در حل این مشکل مرا یاری فرمود. صدقه فراوان به درماندگان دادم. در این موقع سال ۳۸۷ بود و تازه ۱۷ سالگی را پشت سر نهاده بودم.

وقتی من وارد سال ۱۸ زندگی خود می شدم نوح پسر منصور سخت بیمار شد، اطباء از درمان وی درماندند و چون من در پزشکی آوازه و نام یافته بودم مرا به درگاه بردند و از نوح خواستند تا مرا به بالین خود فرا خواند. من نوح را درمان کردم و اجازه یافتم تا در کتابخانه او به مطالعه پردازم. کتابهای بسیاری در آنجا دیدم که اغلب مردم حتی نام آنها را نمی دانستند و من هم تا آن روز ندیده بودم. از مطالعه آنها بسیار سود جست. چندی پس از این ایام پدرم در گذشت و روزگار احوال مرا دگرگون ساخت من از بخارا به گرگانج خوارزم رفتم. چندی در آن دیار به عزت روزگار گذراندم نزد فرمانروای آنجا قربت پیدا کردم و به تالیف چند کتاب در آن شهر توفیق یافتم پیش از آن در بخارا نیز کتابهایی نوشته بودم.

در این هنگام اوضاع جهان دگرگون شده بود ناچار من از گرگانج بیرون آمدم مدتی همچون آواره ای در شهرها می گشتم تا به گرگان رسیدم و از آنجا به دهستان رفتم و دوباره به گرگان بازگشتم و مدتی در آن شهر ماندم و کتابهایی تصنیف کردم. ابو عیید جوزجانی در گرگان به نزد آمد.

ابو عیید جوزجانی گوید: این بود آنچه استادم از سرگذشت خود برایم حکایت کرد. چون من به خدمت او پیوستم تا پایان حیات با او بودم. بسیار چیزها از او فرا گرفتم و بسیاری از کتابهای او را تحریر کردم استادم پس از مدتی به ری رفت و به خدمت مجدالدوله از فرمانروایان دیلمی درآمد و وی را که به بیماری سودا دچار شده بود درمان کرد و از آنجا به قزوین و از قزوین به همدان رفت و مدتی دراز در این شهر ماند و در همین شهر بود که استادم به وزارت شمسالدوله

دیلمی فرمانروای همدان رسید. در همین اوقات استاد کتاب قانون را نوشت و تالیف کتاب عظیم شفا را به خواهش من آغاز کرد. چون شمس الدوله از جهان رفت و پسرش جانشین وی گردید استاد وزارت او را پذیرفت و چندی بعد به او اتهام بستند که با فرمانروای اصفهان مکاتبه دارد و به همین دلیل به زندان گرفتار آمد ۴ ماه در زندان بسر برد و در زندان ۳ کتاب به رشته تحریر درآورد. پس از رهایی از زندان مدتی در همدان بود تا با جامه درویشان پنهانی از همدان بیرون رفت و به سوی اصفهان رهسپار گردید. من و برادرش و دو تن دیگر با وی همراه بودیم. پس از آنکه سستیهای بسیار کشیدیم به اصفهان در آمديم. علاءالدوله فرمانروای اصفهان استاد را به گرمی پذیرفت و مقدم او را بسیار گرمی داشت و در سفر و حضر و به هنگام جنگ و صلح استاد را همراه و همشکن خود ساخت. استاد در این شهر کتاب شفاء را تکمیل کرد و به سال ۴۲۸ در سفری که به همراهی علاءالدوله به همدان می‌رفت، بیمار شد و در آن شهر در گذشت و به خاک سپرده شد. او با روش‌های متفکرانه بیماران را درمان می‌کرد.

ابن سینا در ۴۰۲ هجری گرگانج را به مقصد گرگان ترک نمود تا دوستش کاووس بن وشمگیر دیلمی از آل زیار را ملاقات کند. در این راه، ابن سینا به طرف خراسان رفت و از شهرهای نسا، ابیورد، طوس، سمنگان، جاجرم گذشت و به گرگان رسید. اما در این اثنا (در زمستان ۴۰۳ هجری/ژانویه و مارس ۱۰۱۳ میلادی) قابوس در گذشت. گرچه در شرح حال ابن سینا به زبان خودش، دلیلی بر این موضوع نیامده، اما می‌توان علت مرگ قابوس را مسائل سیاسی دانست. ابن سینا در طی این سفر به نظر نمی‌رسد که در شهری توقف کرده باشد. ابن سینا مدت کوتاهی در گرگان در خانه یکی از دوستان صمیمی اش اقامت نمود و در آنجا جوجزجانی را ملاقات نموده و در خدمت منوچهر بن کاووس بود.

ابن سینا از گرگان به ری مهاجرت کرد و در دستگاه حکومتی حاکم آل بویه مجدالدوله رستم وارد شد. مادر مجدالدوله سیده، دستی پشت پرده در تصمیم‌گیریهای حکومتی بود. ابن سینا با مهارتی که در پزشکی داشت، از نخبگان سیاسی که به مجدالدوله مشاوره می‌دادند پیشی گرفت و به وی نزدیک تر شد. ابن سینا مجدالدوله را که مبتلا به مالیخولیا شده بود را مداوا نمود.

ابن سینا در ری بود تا شمس الدوله حاکم آل بویه (برادر مجدالدوله) در ذی قعدة ۴۰۵/آوریل ۱۰۱۵ به آنجا حمله کرد. ابن سینا به دلایل نامعلوم به قزوین مهاجرت کرده و سپس وارد همدان گردید. وی سپس برای معالجه شمس الدوله احضار گردید و به اجبار وزیر وی شد و

تا مرگ شمس الدوله در ۴۱۲ هجری/۱۰۲۱ میلادی در این پست باقی ماند. یک بار در این دوران ابن سینا با لشکریان امیر درگیر شد. پس از مرگ شمس الدوله، سماء الدوله روی کار آمد و از ابن سینا خواست تا در مقامش باقی بماند. اما ابن سینا تمایلی به این موضوع نداشت و در انتظار فرصتی برای ترک آن دیار بود. او مخفیانه با علاءالدوله حاکم آل کاکویه مکاتبه کرد که دیوان آل بویه در همدان و مخصوصا تاج الملوک وزیر کرد آل بویه به وی ظنین گردیده و به اتهام خیانت در قلعه‌ای در فرجان ابن سینا را زندانی کردند. ابن سینا ۴ ماه زندانی بود تا اینکه علاءالدوله به همدان تاخت و سلطنت سماءالدوله را پایان داد و ابن سینا از زندان آزاد شد. علاءالدوله به ابن سینا پیشنهاد منصبی در همدان را داد که نپذیرفت. چندی بعد ابن سینا تصمیم به مهاجرت به اصفهان گرفت و در لباس صوفیان به همراه برادرش جوزجانی و دو برده به آنجا رفت.

علاءالدوله، ابن سینا را با عزت و احترام پذیرفت و ابن سینا در اصفهان سکنی گزید و سالهای پایانی عمرش را در خدمت وی گذراند و در اکثر سفرها با وی همراه بود. در یکی از این سفرها به همدان در سال ۴۲۸ هجری، ابن سینا مبتلا به توالج شد که دائما به آن مبتلا می‌گشت و در اثر آن درگذشت و در همدان به خاک سپرده شد و آرامگاه بوعلی سینا هم اکنون در این شهر قرار دارد. ابن سینا از حیث نیروی جسمانی، مردی نیرومند بود و به همین خاطر از کار کردن احساس خستگی نمی‌کرد. او با داشتن این نیروی فراوان جسمی می‌توانست از پس کار وزارت فرمانروایان برآید و همیشه چه در سفر و چه در نبرد همراه آنان باشد و علاوه بر این به کار دانش و نوشتن نیز پردازد. می‌گویند که او شبها تا دیرگاه به نوشتن کتاب و رساله می‌پرداخت و در این کار افراط می‌کرد. ابن سینا از لحاظ نیروی ذهنی و تفکر نیز بسیار نیرومند بود. اینکه او در هجده سالگی توانست تمامی دانش‌های زمان خود را فراگیرد خود نشانگر نیروی ذهنی اوست.

ابن سینا بسیار تابع فلسفه ارسطو بود و از این نظر به استادش فارابی شباهت دارد. مبحث منطق و نفس در آثار او در واقع همان مبحث منطق و نفس ارسطو و شارحان او نظیر اسکندر افرویدیسی و ثامیسطیوس است. اما ابن سینا هرچه به اواخر عمر نزدیک می‌شد، بیشتر از ارسطو فاصله می‌گرفت و به افلاطون و فلوپین و عرفان نزدیک می‌شد. داستان‌های تمثیلی او و نیز کتاب پر حجم منطق المشرقین که اواخر عمر تحریر کرده بود، شاهد این مدعاست. متأسفانه امروزه از این کتاب تنها مقدمه اش در دست است. اما حتی در همین مقدمه نیز ابن سینا به انکار آثار دوران ارسطویی خویش مانند شفا و نجات می‌پردازد.

به دلیل آنکه در آن عصر، عربی زبان رایج آثار علمی بود، ابن سینا و سایر دانشمندان ایرانی که در آن روزگار می‌زیستند کتاب‌های خود را به زبان عربی نوشتند.

بعدها بعضی از این آثار به زبان‌های دیگر از جمله فارسی ترجمه شد. از جمله اثر قانون در طب که توسط عبدالرحمن شرفکندی به زبان فارسی ترجمه شده است.

افزون بر این، ابن سینا در ادبیات فارسی نیز دستی قوی داشته است. بیش از ۲۰ اثر فارسی به او منسوب است که از میان آن‌ها، بی‌گمان «دانشنامه علائی» و «رگشناسی» (رساله نبض) از نوشته‌های او است. آثار فارسی ابن سینا، مانند سایر نثرهای علمی زمان وی، با رعایت ایجاز و اختصار کامل نوشته شده است.

آثار فراوانی از ابن سینا به جا مانده و یا به او نسبت داده شده که فهرست جامعی از آن‌ها در فهرست مواد لازم‌های مصنفات ابن سینا آورده شده است. این فهرست شامل ۱۳۱ نوشته اصیل از ابن سینا و ۱۱۱ اثر منسوب به او است.

برخی از آثار این حکیم و دانشمند به روش عبارتند از: کتاب المجموع در یک جلد، کتاب الحاصل و المحصول در بیست جلد، کتاب البر و الاثم، در دو جلد، کتاب الشفاء، در هجده جلد، کتاب القانون فی الطب، در هجده جلد، کتاب الاسعاد الکلیه، در یک جلد، کتاب الانصاف، در بیست جلد، کتاب النجاه، در سه جلد، کتاب الهدایه، در یک جلد، کتاب الاشارات، در یک جلد، کتاب المختصر الاوسط، در یک جلد، کتاب العلائی، در یک جلد، کتاب القولنج، در یک جلد، کتاب لسان العرب فی اللغة، در ده جلد، کتاب الادویه القلیه، در یک جلد، کتاب الموجز، در یک جلد، کتاب بعض الحکمه المشرقه، در یک جلد، کتاب بیان ذوات الجهه، در یک جلد، کتاب المعاد، در یک جلد، کتاب المبدأ و المعاد در یک جلد، رساله القضاء و القدر، رساله فی الآله الرصديه، رساله عرض قاطیغوریاس، رساله المنطق بالشعر، قصائد فی المظهر و الحکمه، رساله فی نعوت المواضع الجدلیه، رساله فی اختصار اقلیدس، رساله فی مختصر النبض به زبان فارسی، رساله فی الحدود، رساله فی الاجرام السماویه، کتاب الاشاره فی علم المنطق، کتاب اقسام الحکمه، کتاب النهایه، کتاب عهد کتبه لنفسه، کتاب حی بن یقطان، کتاب فی ان ابعاد الجسم ذاتیه له، کتاب خطب، کتاب عیون الحکمه، کتاب فی انه لا يجوز ان يكون شیء واحد جوهریا و عرضیا، کتاب ان علم، زید غیر علم عمرو، رسائل اخوانیه و سلطانیه و مسائل جرت بینه و بین بعض العلماء، شفا، نجات، الاشارات والتنبیها، حی بن یقطان، زاویه، اقلیدس، الارتماطیقی، علم هیئت،

المجسطی، جامع البدایع، ابطال احکام النجوم، الاجرام العلویة واسباب البرق والرعد، النبات والحيوان، الادوية القلبية، دفع المضار الكليلة عن الابدان الانسانية، قولنج، سياسة البدن وفضائل الشراب، تشریح الاعضاء، الفصد، الاغذیه والادویه.

کتاب القانون فی الطب نیز یک دایره المعارف پزشکی است که در آن تمام مبانی اصلی طب سنتی مورد بحث قرار گرفته است مانند: مبانی تشریح، آناتومی، مبانی علامت شناسی، سمیولوژی، داروشناسی و داروسازی و مواد لازم نویسی، فارماکولوژی و غیره.

کتاب قانون در دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی تا دو قرن پیش مورد استفاده پزشکان بوده و به اکثر زبانهای دنیا ترجمه شده است و بعد از انجیل بیشترین چاپ را داشته است. افلاطون مغز و قلب و کبد را از اعضای حیاتی بدن انسان ذکر کرده بود و لذا این اعضا را مثلث افلاطون (تریگونوم پلاطو) می نامیدند. ابن سینا اعلام نمود که دوام و بقای نسل انسان وابسته به دستگاه تولید مثل است و لذا جمع چهار عضو مذکور را مربع ابن سینا (کوادرانگولا اویسینا) نامیدند. وی همچنین علاقه مند به تاثیرات اندیشه بر جسم بود و آثاری نیز در باب روانشناسی دارد.

ابن سینا علاوه بر آثار خود چند شاگرد نیز تربیت کرد که هر کدام دانشمند بزرگی در زمان خود شدند. از میان شاگردان او این چندتن سرشناس ترند:

ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان شاگرد بسیار معروف ابن سینا است که برخی از آثار او در دست است. وی از زرتشتیان آذربایجان بود. ولی بعدها مسلمان شد و کنیه ی ابوالحسن را برگزید. ابو عبیدالله عبدالواحد بن محمد جوزجانی از سال ۴۰۳ هجری تا هنگام مرگ ابن سینا پیوسته در خدمت او بوده است و پس از مرگ او به گردآوری و تألیف آثار او پرداخت. تبحر او در ریاضیات بود.

ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی، شیخ علی نسائی خراسانی و ابو نصر حسین بن طاهر بن زیله اصفهانی از شاگردان دیگر ابن سینا می باشد.

عقیل گل محمدی - کاظم کیانی

زمستان ۱۳۹۱